

# آسیب شناسی نمره ۲۰

دکتر مهرداد ناظری

انسان‌ها، انجام وظیفه و تعهد نسبت به کار، همه و همه باید در نظام آموزشی مورد ترویج و تدریس قرار گیرد و اینها با ارزشیابی ما در دروس فیزیک، شیمی و... همسو نیست.

بسیاری از دانش‌آموزان ممتاز بعد از فارغ‌التحصیلی از دوران متوسطه دروس دبیرستان را تا مدتی در حافظه دارند، اما به ندرت می‌دانند که چطور با انسان‌های دیگر جامعه ارتباط برقرار کنند. بسیاری از آنها حتی یک قاب عکس را نمی‌توانند به دیوار آویزان کنند و یا تخم‌مرغی را برای خودشان نیمرو کنند. اساساً شاید بشود گفت نظام آموزشی ایران، دانش‌آموزانی را مورد توجه ویژه قرار می‌دهد که بتوانند نمرات ممتاز و بالایی بیاورند و برای سایر دانش‌آموزان برنامه‌ی مشخصی ندارند. ترویج نمره‌ی

۲۰ در جامعه و فرهنگ ما روزبه‌روز شدیدتر می‌شود. بچه‌ها با اعلام نتایج آخر سال از ۲۰ نیاوردن گریه می‌کنند، پدر و مادر جلوی فامیل و دوست و اقوام خجالت می‌کشند که بچه‌شان بیشتر نمرات ۱۴ و ۱۵ آورده است. به طور کلی هویت مدارس ما با درس و کلاس و امتحانات و نمره پیوند خورده است، در حالی که در مدارس خلاق هدف، رشد روحی، فکری، احساسی و ادراکی تک‌تک دانش‌آموزان است.

ما می‌خواهیم افرادی تربیت کنیم که محیط زندگیشان را می‌شناسند، جهان امروز را می‌شناسند، ارتباطات گسترده‌ای با دیگران دارند، ارزش‌های هویتی و فرهنگی خود را می‌شناسند و در مجموع شهروندانی ایرانی و جهان‌نگر هستند. دانش‌آموز با استعداد و خوب در مدرسه خلاق کسی نیست که حافظه قوی دارد و فرمول‌های ریاضی زیادی را حفظ کرده، بلکه فردی است که فارغ از نمراتی که کسب کرده موجودی بی‌نظیر و با ارزش برای جامعه است. او می‌تواند در مسیر مورد علاقه‌اش حرکت کند و به پیشرفت‌های بی‌نظیری برسد. انسان موفق کسی است که در محل کار با تعهد و مسوولیت کار می‌کند، در خانه پدر مهربانی است که بچه‌ها برای ورودش به خانه ثانیه شماری می‌کنند و در اوقات فراغت به کوه و دشت می‌رود.

انسان رشديافته، از شکست نمی‌هراسد و هر شکست را پلی برای پرواز و پیشرفت می‌بیند. ما می‌توانیم به همه خروجی‌های نظام آموزش و پرورش نمرات ۲۰ و ۱۹ بدهیم، اما به جای آن جامعه‌ای داشته باشیم متشکل از افرادی که همه دچار افسردگی، روان‌پریشی، ناراحتی‌های اعصاب و... هستند. امروزه در شاخص‌های جامعه سالم

یادگیری دروسی مثل ریاضی، فیزیک و... در دستور کار قرار دارد. اما در عمل این مدل یادگیری ممکن است به تقویت حافظه کوتاه‌مدت دانش‌آموزان کمک کند.

همه شاگردان درس می‌خوانند و زحمت می‌کشند تا در امتحانات موفق شوند. اگر دانش‌آموزی در این سیستم، نمرات خوبی کسب نماید مورد دید منفی مدیران، معلمان، والدین و جامعه قرار می‌گیرد. وقتی همین امروز شرط ثبت نام برای مدارس خوب معدل‌های بالاست، وقتی همه خود را قربانی رشد در این رتبه‌بندی می‌کنند، طبیعتاً بسیاری از استعدادهایی که می‌توانستند موزیسین، نقاش، کارگردان، خطاط، لوله‌کش و صنعت‌گران شوند مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند.

ما نباید فراموش کنیم برای یک لوله‌کش خوب شدن، یک نجار یا بنای حرفه‌ای شدن زمانی معادل ۳۰ سال وقت لازم است. یک اوستای نجاری سال‌ها خاک ازه می‌خورد و دست‌هایش لای دستگاه پرس می‌ماند تا می‌تواند استادکاری زبردست شود. ما نباید در جامعه ارزش اساسی شغل‌های صنعتی، فنی و هنری را تقلیل دهیم و فقط چشم به راه تولید مهندس و دکتر و پزشک در سیستم آموزشی باشیم.

بدین ترتیب ما باید سال‌ها انتظار بکشیم و صبر کنیم تا از دل این سیستم با این همه صرف هزینه، امثال دکتر هشتروندی‌ها و حسابی‌ها و... هر روز بیشتر و بیشتر بیرون آید. ای کاش می‌شد تعداد خبگان علمی کشور آن قدر زیاد گردد که آسمان ایران هر روز روشن و روشن‌تر شود. اما از یاد نبریم که هدف نظام آموزشی صرفاً تربیت نیروهای تخریه نیست. ما می‌خواهیم یک جامعه پویا و سربلند در جهان نو داشته باشیم. ما نه تنها می‌خواهیم به استادان رشته فیزیک، ریاضی، مهندسان و پزشکان افتخار کنیم، بلکه می‌خواهیم به صنعت‌گران، تکنسین‌ها، هنرمندان و... هم افتخار کنیم. نظام آموزشی فرصت غنیمتی است که هر کس را در جایگاه و منزلت خاص خود ببیند و استعدادهای افراد را شکوفا نماید.

چه اشکالی دارد اگر شیرینی‌پزهای ما خوشمزه‌ترین کیک‌های دنیا را درست کنند؟ چه قدر عالی خواهد بود اگر تمام در و دیوار شهر با هنر نقاشان، خطاطان، تذهیب‌کاران و... رنگ‌آمیزی شود. چقدر بی‌نظیر خواهد بود اگر تمام آرایشگران ما بهترین آرایشگرهای دنیا شوند و چقدر عالی خواهد بود اگر همه صبح به یکدیگر سلام کنند و لبخند بزنند.

مهربانی به یکدیگر، احترام به حقوق تک تک

همه می‌خواهند بهترین باشند، همه می‌خواهند بالاترین نمره‌ها را کسب کنند. معلم‌ها می‌گویند: بچه‌ها تنبل شده‌اند و کسی دیگر نمره ۲۰ نمی‌گیرد. والدین هم همراه بچه‌ها شب‌های سخت امتحان را می‌گذرانند و استرس و ترس و دل‌پهره را تجربه می‌کنند. مادر به محض دیدن فرزندش می‌پرسد راستی امتحانات را چطور دادی؟ اگر بچه بگوید عالی شده، هیجانی می‌شود و او را در آغوش می‌گیرد اما وای به روزی که نمره‌اش ۱۴ یا ۱۵ شود که اگر از آسمان سنگ بیارد برای بچه‌ها شرایط قابل تحمل‌تر و بهتر خواهد بود.

به طور کلی ارزشیابی بر اساس نمره ۲۰ امروز نه تنها در حوزه علمی و دانشگاهی بلکه در جامعه هم رواج پیدا کرده است. اگر کسی کارش را به خوبی انجام دهد، همه به او می‌گویند انصافاً کارش بیست است و اگر کارش را بد انجام دهد می‌گویند کارش در حد صفر است. گویا همه ارزشیابی‌های ما بر اساس درجه‌بندی بین صفر تا بیست شده است.

معلم‌ها ۲۰ را تشویق می‌کنند، والدین ۲۰ می‌خواهند، دانش‌آموزان ۲۰ می‌آورند، نظام آموزشی بیست‌ها را تشویق می‌کند و جامعه به‌به و چه‌چه می‌کند که چه افتخاراتی از شاگردهای با معدل بیست نصیبش شده است. اما متأسفانه یک نکته در این دایره فراموش شده است و آن اینکه دانش‌آموزان یاد می‌گیرند همه تلاش خود را بر روی ارزشیابی پایان سال متمرکز نمایند بدون آن که در طی سال‌های تحصیل تفاوتی نسبت به سال‌های قبل کنند. دانش‌آموزان ممتاز در درس ریاضی و فیزیک و شیمی نمرات خوبی کسب می‌کنند بدون آن که کاربرد آن را در زندگیشان درک کنند. در یک تحقیق که توسط نگارنده انجام شده، در یک جامعه‌ی آماری صد نفره که همه‌ی آنها حدود ۳۵ سال سن داشتند، دیپلمه‌های رشته‌ی ریاضی بودند و همه‌ی آنها در حدود ۱۷ یا ۱۸ سال از دوره متوسطه‌شان می‌گذشت، سه مساله ریاضی ساده در مورد انتگرال‌گیری پرسیده شد که از بین ۱۰۰ نفر ۸۸ نفر نتوانستند پاسخ سوال مربوطه را بدهند. ۲ نفر نیز مساله را تا نیمه پاسخ دادند و فقط ۱۰ نفر نتوانستند به این سوالات پاسخ دهند. البته شاید گفته شود که هدف نظام آموزشی صرفاً پاسخ دادن به انتگرال تا پایان عمر نیست. ما هم قبول داریم این اصلی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. در کل یک نکته را می‌شود از این تحقیق برداشت کرد و آن اینکه در مدارس ما مهارت‌های ذهنی، احساسی و هوشی کاملاً به فعلیت نمی‌رسند. در حالی که



به اصول بهداشت روان و توانمندی روحی توجه ویژه‌ای می‌شود. ما تا چه حد در کلاس‌های درس به شرایط روحی و روانی دانش‌آموزان توجه می‌کنیم؟ چه برنامه‌ای برای رشد روحی شهروندان داریم؟

در مجموع شاید بشود از منظر آسیب‌شناسی اولویت بخشی و توجه ویژه به نمره ۲۰ را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- توجه به نمره ۲۰ در ارزشیابی‌ها، یعنی همه چیز را در کمال دیدن و انتظار بهترین‌ها را از افراد داشتن. در حالی که کمال‌گرایی آفت بزرگ مرگ خلاقیت‌ها و شکوفایی استعدادهاست. استعداد در مسیرهای متنوع رشد می‌یابد و جامعه ایده‌آل جامعه‌ای است که در همه‌ی زمینه‌ها انسان‌هایی پرورش یافته و شکوفا دارد.

۲- نظام آموزش و پرورش ماشین تولید دیپلمه‌ها و دانش‌آموزانی نیست که هندسه تحلیلی را خوب یاد گرفته‌اند، بلکه هدف اساسی نظام آموزش و پرورش خلاق آن است که کسی بازنده نباشد و هر کس توانایی پیشرفت در مسیر مورد علاقه‌اش را دارد.

۳- نمره ۲۰، نفس نظام آموزشی را به شماره انداخته. اضطراب و دلپهره از ۲۰ نیاوردن، مطلوبیت جامعه را از لحاظ روحی دچار تشویش و نگرانی کرده است. دبیرستان‌های ما به تولیدکنندگان مدرک دیپلم مبدل شده‌اند که باید در آن جا صرفاً به مباحث نفس‌گیر علمی پرداخت. در حالی که در یک دبیرستان خلاق هدف برقراری ارتباط دو سویه میان معلم و دانش‌آموز است. معلم به کلاس می‌آید تا علاوه بر دانش علمی، چگونه زیستن را نیز به دانش‌آموزان یاد بدهد. دانش‌آموز هم به کلاس می‌آید تا علاوه بر علم‌آموزی، اخلاق مدنی، قواعد شهروندی و ارزش‌های انسانی را فرا گیرد. ما خواستار مدارسی هستیم که در آن به دانش‌آموزان بگویند: تو در آسمان الهی ستاره‌ی درخشانی هستی و فقط تو مثل توست. تو آئینه‌ی نور الهی هستی و می‌توانی هر کاری که دوست‌داری انجام دهی. پیروزی از آن توست.

۴- یکی از مسائلی که به شکل جدی نظام آموزش و پرورش ما را تهدید می‌کند، تنبیه نمرات پایین است. ما نباید دانش‌آموزانی که به هر دلیل نتوانسته‌اند در ارزشیابی‌ها نمرات خوبی کسب کنند مورد تحقیر و بی‌احترامی و تنبیه قرار دهیم. چه بسا دانش‌آموزانی که در دوران تحصیل در درس ریاضی و فیزیک نمرات پایینی

کسب کردند، اما بعدها شاعران و نویسندگان و نقاشانی بی‌نظیر شدند.

۵- در مدرسه خلاق، هدف، حذف هر نوع اضطراب، ترس و عدم امنیت روحی و روانی است. ما می‌خواهیم دانش‌آموزان در مدارس غم و اندوه خود را رها کنند و یک شادمانی خالص و عمیق را تجربه نمایند. در مدارس سنتی برگزاری آزمون‌های سخت و دشوار از اصول و اهداف اساسی تلقی می‌شود که دانش‌آموزان باید از آن گذر کنند. در حالی که در مدرسه خلاق این اعتقاد وجود دارد که ما نباید ذهن دانش‌آموز را درگیر دستگاه عریض و طویلی به نام امتحان برای ارزشیابی کنیم. ما باید دانش‌آموزان را با دفع موانع فردی و اجتماعی به سمت استعدادهایشان معطوف نماییم.

۶- زندگی هر کسی بر اساس یک فلسفه و جهان‌بینی خاص بنا می‌شود. در نظام‌های تربیتی ناکارآمد تاکید بر یکسان‌سازی و حذف تنوع عقاید و سلیقه‌ها و جهان‌بینی‌هاست. در شوروی سابق نظام آموزشی به تربیت انسان‌های نورماتیو (هنجارمند) که همسو با ارزش‌های مارکسیست-لنینیست بودند، توجه می‌شد. در حالی که در مدرسه خلاق محور، هدف شناخت ویژگی‌های ممتاز تک‌تک شهروندان یک جامعه است.

۷- اگر در جامعه‌ای ۲۰ معیار ارزش‌ها و تشویق‌ها و امتیازات باشد، به مرور نوعی حس بی‌تفاوتی نسبت به درس در سایرین پدید خواهد آمد. جامعه‌شناسان آموزش و پرورش معتقدند: اگر ما مرتباً شاگردان موفق در امتحانات را تشویق کنیم، به نوعی جامعه را نسبت به نمرات عالی شرطی کرده‌ایم. یعنی اگر می‌خواهی حرکت کنی، بلند شو و شب تا صبح با کتاب‌ها کلنجار برو تا بالاترین نمرات را کسب کنی. در ارزشیابی‌هایی مثل کنکور، گاهی پاسخ اشتباه دادن به یک تست، یک فرد را هزاران نفر نسبت به فردی که به آن یک تست پاسخ درستی داده عقب می‌اندازد. این سیستم ارزشیابی (یعنی سفید و سیاه دیدن) نوعی سرخوردگی و کمبود را در اکثر افراد جامعه تشدید می‌کند.

۸- ما باید بپذیریم که اکثر مردم جهان مردمی متوسط و معمولی هستند. مردمی که صبح از خواب بیدار می‌شوند، صبحانه می‌خورند، به سر کار می‌روند، بعد از ظهر به خانه می‌آیند، تعطیلات با همسر و فرزندان‌شان به تفریح و گردش می‌پردازند. اینها همان‌هایی هستند که در دوران تحصیل

نمرات ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و... گرفته‌اند و با کار و خدماتی که ارایه می‌دهند به بهره‌وری یک جامعه کمک می‌کنند. ما باید با فرهنگ غلط «بیست‌محوری» مبارزه کنیم و این فرهنگ را جایگزین نماییم که بهترین یادگیری‌ها می‌تواند از مداری غیر از مدرسه هم اتفاق بیفتد. چه بسیار انسان‌هایی که در دوران مدرسه چندان موفق نبودند، اما در کار و تلاش به پیشرفت‌های شگرفی نایل آمدند.

۹- اخیراً صحبت تغییر سیستم ارزشیابی و جایگزینی سیستم ارزشیابی توصیفی به جای آن شده است. اگر چه این اقدام در جای خود قابل قبول و حایز اهمیت است، اما از یاد نبریم که در ارزشیابی‌های کیفی، معلم‌ها باید دارای قابلیت‌های درک روان‌شناختی از دانش‌آموزان باشند، که در صورت عدم درک روحیه بچه‌ها، این روش به نتایج مطلوب نخواهد رسید.

در کشورهای شرق آسیا مثل کره و ژاپن در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ افرادی از طبقات فرودست برخاستند و توانستند با سعی و تلاش پله‌های ترقی را طی کنند. اینها پایه‌گذاران مهمترین کمپانی‌های این کشورها بودند که توانستند به اقتصاد این کشورها کمک شایانی نمایند و برای سایرین شهروندان هموطن خود کارآفرین باشند. به امید روزی که ما هم به جای تربیت صرفاً دانش‌آموزانی که می‌توانند در دروسشان ۲۰ بیاورند، انسان‌هایی خلاق، کارآفرین و پیشرو را تربیت نماییم.

**شرکت تولیدی و مهندسی حرارت گستر**

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

دارای تاییدیه نقشه ساخت دیگ بخار و آب داغ از TÜV اتریش \*

تولید کننده :	
دیگ بخار	فیلتر شنی
دیگ آب داغ و آب گرم	دی الکالایزر
دی اریاتور	فلاش تانک بخار
سختی گیر	جداکننده آب از بخار
هنبم کوپل دار	جدا کننده هوا از آب
مبدل حرارتی	هنبم کندهانس

نشانی: تهران، خیابان طالقانی شرقی، شماره ۵۴۳، صندوق پستی: ۵۲۷۱-۱۵۸۲۵  
تلفن: ۷۷۶۰۵۸۹۳ - ۷۷۶۰۵۸۸۹ فاکس: ۷۷۶۰۴۵۳۱